

پدیده مهاجرت روستا-شهری و آسیب های شهری در جامعه ایران با تأکید بر سنخ‌شناسی دو گونه توسعه و شهرنشینی در جهان توسعه یافته و جهان در حال توسعه

نویسنده: دکتر شهریار پاک نیا^۱

چکیده

این مقاله به نقش و اثرات پدیده مهاجرت روستا-شهری بر آسیب های اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری می پردازد. الگوی کلی تحلیل آن بر اساس مدل رابطه توسعه با شهرنشینی، اما از منظری نو می باشد به طوری که گونه‌ی خاصی از توسعه، منجر به شکل گیری گونه خاصی از شهرنشینی می گردد. شهرنشینی شتابان، نامتوازن و آسیب زا در کشورهای در حال توسعه چون ایران از وجه خاصی از توسعه که در اینجا به توسعه برونزا و نامتوازن (توسعه وابسته) نامگذاری شد نشأت می گیرد به گونه ای که ناکارآمدی توسعه و سیاستگذاری های بی ضابطه و بی تناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی و البته تحت تأثیر روند های بیرونی شرایط جهانی و تأخر تکنولوژیک و پس افتادگی اقتصادی و فرهنگی موجب تثبیت ساختارهای سنتی و معیشتی کشاورزی و روستایی در بخش های تولید گردیده و غلبه شیوه تولید خرد و دهقانی و معیشتی در وضعیت ضعف زیرساخت ها، نبود تکنولوژی، استهلاک عوامل تولید، فرسایش منابع آب و خاک و خسارت های زیست محیطی موجب تشدید فقر و نابرابری و محرومیت و در نتیجه منجر به شکل گیری مهاجرت غالب یعنی مهاجرت روستا-شهری می گردد. غلبه این تحرک مهاجرتی در هم افزایی با مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و مراکز و قطب های جمعیتی منطقه ای، پدیده ی قطبی شدن و تمرکزگرایی جمعیت و شکل گیری کلانشهرهای محدود و پرجمعیت منطقه ای و ملی را به همراه دارد که این خود موجد گونه ای شهرنشینی شتابان و پر آسیب است. از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان و نامتوازن؛ ناهنجاری های کالبدی، ناهنجاری های تاسیساتی، آسیب های اقتصادی، آسیب های زیست محیطی، نارسایی های خدماتی و بالاخره آسیب های اجتماعی در حوزه های شهری است که به فقر، بیکاری، طلاق، بزهکاری، خشونت، کودکان کار، انحرافات اجتماعی، ترافیک، بحران مسکن، نامنی و شورش و... می انجامد. راهکار برون رفت از این سیکل معیوب جز اصلاح سیستم توسعه وابسته نیست در این راستا دولت توسعه گرا باید ضمن آگاهی از وضعیت و شرایط شکننده تاریخی و جغرافیایی و شناخت مخاطرات عوامل بیرونی تأثیرگذار نظام جهانی، دست به طراحی مدلی از توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی درون زا بزند که از مهمترین ویژگی های آن پایداری، توازن، همه جانبه نگری و اجتماع محور بودن آن است. روش کار در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از روش اسنادی و کتابخانه ای برای گردآوری اطلاعات استفاده و سپس به تحلیل داده ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت روستا-شهری، توسعه درون زا، شهرنشینی شتابان (نامتوازن)، آسیب های

شهری، توسعه وابسته (برون زا).

مقدمه

از زمان توسعه شهرهای اولیه بین النهرین و مصر تا قرن هجدهم تعادلی نسبی بین اکثریت جامعه روستایی و مراکز کوچک جمعیت های شهری وجود داشت. اواخر قرن هجدهم و مقارن با انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی انگلستان نسبت این تعادل بر هم خورد و با رشد بی سابقه جمعیت شهری، شهرنشینی در جهان غرب به سرعت گسترش یافت. در آغاز قرن بیستم تنها ۱۵٪ جمعیت جهان را شهرنشینان تشکیل می دادند اما در سال ۲۰۰۷ بیش از ۵۰٪ جمعیت جهان در شهرها زندگی می کردند روند شهرنشینی و گسترش شهرها در جهان غرب تکاملی و طبیعی و متناسب با آهنگ صنعتی شدن و مدرنیزاسیون بود روند توسعه کالبدی در ارتباط کامل با فن آوری، اقتصاد و مسائل طبیعی شهرها بود و اگر در این زمینه مشکلاتی وجود می داشت با توجه به فن آوری های مدرن توانسته اند تا حدودی بر آنها فائق آیند و الگوهای شهرنشینی تا حد زیادی برخاسته از انقلاب صنعتی و نیازهای آن بود و رشد شهرنشینی رشدی درونزا بود، شهرنشینی اما در کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم و به خصوص در دوران معاصر و طی ربع قرن گذشته تحت تأثیر پدیده جهانی شدن، بدون طی مسیر تکاملی و طبیعی در خلا صنعتی شدن و در سبقت از آن، سیری بسیار شتابان به خود گرفت و شکلی برون زا یافت و زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی، تکنیکی و طبیعی کشورهای مزبور در تعارض با الگوی توسعه شهرنشینی آنان است. این تأخر توسعه و مدرنیزاسیون نسبت به شهرنشینی در کشورهای توسعه نیافته منجر به شکل گیری شهرها و کلانشهرهایی نامتوازن و با آسیب ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و فضایی و کالبدی فراوان گردید و تعادل روابط منطقی مبتنی بر توازن اقتصادی و اجتماعی بین روستا و شهر را نیز بر هم زد و در هر دو جامعه روستایی و شهری بحران هایی متعدد بر جای گذاشت. یکی از معلول های توسعه نامتوازن و مدیریت ناکارآمد توسعه، بدقوارگی و ناسازواری مهاجرت می باشد. مهاجرتی که در نسبت با توسعه شکل نگرفته و نتیجه روند طبیعی رشد نیروهای مولد و ابزار کار و توسعه تکنولوژی و آزادسازی نیروی کار بخش تولید برای جذب در حوزه صنعت و فن آوری و دیگر زنجیره های ارزش نمی باشد. سیاست گذاری های توسعه در ایران و به خصوص مدیریت ناکارآمد توسعه، طی دهه های اخیر به رشد ناموزون و عدم تعادل شدید در فرآیندهای توسعه چه به لحاظ بخشی (میان بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات و بخش های سنتی و مدرن) و چه به لحاظ فضایی - مکانی میان شهرها و روستاها و حتی در سطوح مختلف جوامع شهری، منجر شد. جهت گیری سیاست ها از دیدگاه توسعه فضایی همواره به سود مراکز فعالیت های شهری عمل نموده و روستاها بیش از پیش در حاشیه قرار گرفته اند پیامد مستقیم این تحولات حرکت جمعیتی از روستاها به سوی شهرها، از شهرهای کوچک به شهرهای ناحیه یا مراکز استان ها، و از آنجا به کلانشهرهای منطقه یا مراکز و قطب های منطقه ای، و از آنجا نیز به تهران به عنوان کلانشهر ملی و یا حداکثر چند کلانشهر دیگر است. این مکانیسم تاکنون و همچنان

این گونه عمل می کند. این گونه حرکت ها از آن جهت جنبه آسیب شناسی دارند که الگوی استقرار و نظام توزیع فضایی جمعیت و فعالیت میان شهر و روستا و حتی میان شبکه شهری را نامتعادل می کند و از این طریق سازمان یابی فضای شهری بویژه کلانشهرها (مقصد نهایی تمام تحرکات مهاجرتی) را با ناموزونی شدیدی مواجه می سازد. در تحلیل پویای اجتماعی جامعه شهری ایران طی دهه های اخیر بررسی نقش مهاجرت در زمینه سازی برای پیدایش آسیب های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است مهاجرت روستا- شهری با آسیب های اجتماعی چون آلونک نشینی و حاشیه نشینی در شهرها و ایجاد ناهمگونی در بافت اجتماعی- فرهنگی جامعه شهری در شهرها رابطه تنگاتنگی دارد. بنابراین یکی از مهم ترین عوامل شتاب دهنده به رشد شهرنشینی، مهاجرت است و مهم ترین و شدیدترین بعد مهاجرت، مهاجرت روستا-شهری است که البته خود تحت تأثیر ویژگی های توسعه می باشد و با توسعه نامتوازن و شکننده قرابت زیادی دارد، شهرنشینی شتابان و غیر تکاملی و خارج از بستر طبیعی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و در غیبت فرآیند صنعتی شدن و توسعه و مدرنیزاسیون خود منجر به بروز آسیب های اجتماعی اقتصادی زیادی در جوامع شهری می گردد با این منظر می توان تأثیر پدیده مهاجرت روستا- شهری را بر آسیب های ناشی از رشد شهرنشینی در جوامع شهری ایران تبیین نمود و توضیح داد.

مهاجرت روستا-شهری و رشد شهرنشینی

رشد شهرنشینی و رشد جمعیت شهری معلول عواملی چند است عموماً عوامل موثر بر رشد جمعیت شهرنشینی را رشد طبیعی جمعیت شهری؛ مهاجرت به شهرها؛ طبقه بندی مجدد شهرها و تبدیل نقاط روستایی به شهر، الحاق و ضمیمه کردن قلمروهای جدید به شهرهای موجود در نقاط روستایی حاشیه شهرها، می دانند.

آری آگا این علق را به دو دسته یکی از نقطه نظر خود شهرو دیگری از نقطه نظر رشد جمعیت تقسیم کرده است (آری آگا، ۱۳۷۸ : ۳۴۸). در حالت کلی نرخ رشد یک منطقه با نرخ رشد طبیعی جمعیت و عواملی که مهاجرت منطقه ای را موجب می شوند تبیین می شود. رشد جمعیت شهرها در کشورهای توسعه یافته همبستگی زیادی با رشد جمعیت ملی دارد و به عبارتی در پی کاهش رشد جمعیت ملی (میزان زاد و ولد) رشد جمعیت شهرها نیز کاهش می یابد و نقش مهاجرت در رشد جمعیت شهری این کشورها بسیار اندک است و از الگوی طبیعی مهاجرت پیروی می کند؛ اما در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت نقش مهمی را در رشد جمعیت شهری ایفا می کند (منصوریان و همکاران، ۱۳۹۴ : ۲۵-۲۶) و یکی از مهم ترین دلایل شکل گیری مهاجرت، فقر است. مهاجرت و فقر رابطه دوسویه دارند. گرچه عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی و سیاستی گوناگونی در رشد جمعیت شهرنشینی و بسته به مناطق شهری مختلف متفاوت است؛ اما آنچه در مطالعات جمعیت مربوط به کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته شاخص گردیده است، رشد شهرنشینی در نتیجه مهاجرت است و آن شکل برجسته مهاجرت، مهاجرت روستا- شهری است چرا که بر اساس الگوی رشد شهرنشینی کشورهای توسعه نیافته که در هماهنگی با توسعه و صنعتی شدن و تحول تدریجی

اجتماعی و اقتصادی به مانند کشورهای پیشرفته شکل نگرفته است و در نتیجه ملهم از سیستم توسعه نامتوازن و سیاستگذاری های نامتوازن، منجر به افزایش نابرابری و در نتیجه فقر می گردد. موتور محرکه مهاجرت نیز فقر است و در نسبت بین جامعه شهری و جامعه روستایی، قدرت نفوذپذیری فقر به دلیل عدم امکانات توسعه و زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه روستایی بیش تر از جوامع شهری است بنابراین فقر شدید و نابرابری شدید روستا-شهری ناشی از سیستم حکمرانی و توسعه منجر به مهاجرت گونه روستا-شهری می گردد. عملاً این نوع مهاجرت است که در کشورهای جهان سوم و ایران به رشد شهرنشینی شتابان کمک نموده است. در پژوهشی که با رهیافت اقتصاد سنجی عوامل مؤثر بر رشد جمعیت مناطق شهری را مورد ارزیابی قرار داده، این عوامل را به آب و هوا (عوامل جغرافیایی)، باروری، تحصیلات، سن (عوامل اجتماعی)، شبکه راه ها و حمل و نقل (عوامل زیرساختی)، فقر، نابرابری، بیکاری و تخصصی شدن (عوامل اقتصاد) تقسیم بندی کرده است (خلیلی عراقی، نوبهار و کبیری رنانی، ۱۳۹۶). در نتیجه شهرهایی که از میزان فقر بالاتر، ضریب جینی و معیار نابرابری بیش تر و نرخ بیکاری بالاتر و نرخ اشتغال پائین تر و سطح تخصصی پائین تر و زیرساخت های فقیرتر و آب و هوای بدتری برخوردارند نرخ مهاجر فرستی بیش تری دارند. این ویژگی ها نیز علاوه بر شهرستان ها برای مناطق روستایی نیز این گونه عمل می کند بنابراین مهاجرت روستا-شهری نیز با توجه به پارامترهای اقتصادی گفته شده موجب تشدید مهاجر فرستی مبدأ و نرخ بالای مهاجرت به شهرها و مناطق برخوردارتر می شود. مهاجرت به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد شهری و یا یکی از عوامل پدیدآورنده مسائل شهری همیشه مطرح بوده است. یومایین خاطر نشان ساخت در تمام کشورها زمانی که فرایند شهرنشینی رخ می دهد، منجر به حرکات قابل توجه جمعیتی می شود (یومایین، ۲۰۰۶: ۳۳۸) و شکل غالب مهاجرت، مهاجرت روستا-شهری است. این نوع مهاجرت، موجب تغییر ترکیب سنی و جنسی جمعیت در هر دو منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیر می شود و موجب افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی است. طبق آمار، مهاجران روستایی در اغلب مناطق ۳۵ تا ۶۰ درصد از رشد شهری را تشکیل می دهند (Todaro, ۲۰۰۵: ۳۲۷) اما مشکل افزایش جمعیت این است در بسیاری از شهرها رشد جمعیت با ظرفیت توسعه دولت ها در تأمین نیازهای مردم متناسب نیست (یانگ، ۱۳۸۱: ۱۶۴). این معضل بیش تر مربوط به کشورهای در حال توسعه است. رشد شتابان شهری به خصوص در جهان سوم معلول مهاجرت های افسارگسیخته است؛ زیرا این گونه مهاجرت ها به دلیل سرعت زیاد رشد شهرنشینی در جوامع در حال توسعه در یک دوره نسبتاً کوتاه (حدود ۵۰ سال در نیمه اول قرن بیستم) رخ داده است در حالی که مهاجرت طبیعی و مثبت، که حاصل فرآیند توسعه اقتصادی و توسعه اقتصادی معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت در نتیجه شکوفایی و صنعتی شدن و تحقق سرمایه داری صنعتی و تکامل زنجیره های ارزش و رشد نیروهای مولد می باشد، در جهان اول و طی دوره ای دوست ساله (۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰) به بار نشسته است، متوسط رشد شهرنشینی در دوره مورد بررسی ۴/۴ درصد بوده است در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی در همین دوره ۱۴ برابر آن

بوده است (نقدی، ۱۳۸۱). در ایران شهرنشینی از حدود بیست درصد در سال ۱۳۰۰ به بیش از دو سوم یعنی ۷۰ درصد و رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ۶۰۰ درصد رشد نسبت به سال پایه (۱۳۳۵) از حدود ۶ میلیون نفر به بیش از ۴۰ میلیون رسیده است و تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ به ۱۱۱۵ شهر بالغ شده است و این یعنی انفجار جمعیت تحت عامل مهاجرت انفجاری و غیر طبیعی و نامتوازن که عدم توازن و تعادل شهری و آسیب های جامعه شهری را به دنبال دارد.

رشد شهرنشینی و آسیب های جامعه شهری

مشکل افزایش جمعیت این است: در بسیاری از شهرها رشد جمعیت با ظرفیت توسعه دولت ها در تأمین نیازهای مردم متناسب نیست (یانگ، ۱۳۸۱: ۱۶۴). توافق زیادی بین محققان وجود دارد که شهرنشینی می تواند نقش مثبتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی بازی کند و تلاش برای کاهش شهرنشینی عموماً مطلوب نیست (Sheng, ۲۰۰۴: ۱۳۷). صندوق جمعیت سازمان ملل دولت ها را ترغیب می کند که شهرنشینی را به عنوان یک روند غیرقابل اجتناب بپذیرند و سیاست هایی را جهت ایجاد فرصت برای فقرای شهری توسعه دهند (United Nation, ۲۰۰۸: ۱۵-۲۰). این معضل بیش تر مربوط به کشورهای در حال توسعه است. از ۱۱۶ کشور در حال توسعه که به بررسی سازمان ملل پاسخ داده اند بیش از ۹۰ مورد آن سیاست هایی را برای کاهش یا معکوس کردن روندهای شتاب مهاجرت روستا- شهری آغاز کردند (Todaro, ۲۰۰۵: ۳۲۷) در مقابل دیدگاه های کلاسیک، دیدگاه جهانی شدن نسبت به مهاجرت، مهاجرت را برای کل جامعه جهانی مفید می داند. استدلال آن این است: در جایی که انتقال آزاد کالاها و خدمات و جهانی شدن، آزادسازی و خصوصی سازی برای توسعه مفید بوده است، مهاجرت نیروی متخصص و سرمایه انسانی ارزان با تولید نهایی ناچیز به نفع کارا تر به افزایش تولید جهانی و پیشرفت دانش فنی و رفاه مردم سراسر گیتی و با کمی تاخیر به کشورهای مهاجر فرست منجر شده است. از این طریق که کشورهای میزبان سرمایه انسانی و نیروی کار به دست می آورند و کشورهای مهاجر فرست ضمن کاهش میزان بیکاری، پول، دانش را از طریق اتباع خود در اقصی نقاط جهان به جوامع خود منتقل می کنند و مهاجران و خانواده هایشان از طریق جابجایی داوطلبانه به مناطق با سطح دستمزد بالا نیز منتفع می شوند (skeldon, ۲۰۰۸). لوئیس و شوترز دو بخش ۱- معیشتی (سنتی) - کشاورزی (روستایی) با مشخصه و بازده تولیدی پایین و نیروی کار اضافی و ۲- بخش صنعتی- مدرن شهری که از بازده تولیدی بالایی برخوردار است را از هم تفکیک می کنند و مهاجرت را با توجه این دسته بندی توضیح می دهند (تودارو، ۱۹۷۶: ۲۱).

فی و رانیز مهاجرت روستا- شهری را حاصل فرآیند توسعه اقتصادی می دانند و توسعه اقتصادی را معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت تعریف می نمایند (دانشور کاخکی، ۱۳۸۵). بنابراین پذیرش شکل طبیعی و نرمال مهاجرت و یا تحرک شغلی و مکانی و یا جغرافیایی از بخش های تولیدی و کشاورزی و معیشتی در نتیجه تغییر نرخ تکنولوژی و افزایش بهره وری و کارآیی که این خود حاصل مدیریت توسعه و به کارگیری و انتخاب سیاستگذاری های متوازن و پایدار و درون زاست و به نوعی حاصل فرآیند توسعه اقتصادی

و اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی و همه جانبه است پیش فرض روند مطلوب و الگوی تکاملی و تدریجی توسعه شهرنشینی مطلوب است اما تحت سیاستگذاری های توسعه نامتوازن و تحت عوامل بیرونی فشارنده بر شرایط شکننده کشورهای در حال توسعه و تأخر تکنولوژیکی و تعلیق صنعتی شدن و در نتیجه ناکارآمدی توسعه و تشدید فقر و نابرابری بخصوص در مناطق روستایی، مهاجرت افسارگسیخته و منفی ای شکل می گیرد که طی امواج مختلف انفجاری منجر به رشد سرطانی شهرنشینی می گردد و این گونه شهرها و این چنین شهرنشینی عوارض و آسیب های فراوانی را در خلا مدیریت شهری ناکارآمد بعنوان زیر سیستم توسعه ناکارآمد به همراه دارد. بنابراین از مهاجرت افسارگسیخته در وضعیت توسعه نیافتگی تنها شهرنشینی پر آسیب حاصل می گردد؛ شکلی آنومیک که اکثریت کشورهای جهان سوم یا توسعه نیافته را دچار خود می سازد. پیامدهایی چون ایجاد محلات پرجمعیت، حاشیه نشینی، فقر، بیکاری، انحرافات اجتماعی، مسئله ترافیک و مشکل آلودگی هوا، آلودگی های صوتی و نوری و مسئله مسکن، ناامنی و شورش، از جمله چالش های بی شماری است که به عنوان پیامدهای شهرنشینی علیل، مد نظر می باشند.

روند مهاجرت روستا-شهری و شکل گیری شهرنشینی نامتوازن در آئینه ایران

صنایع الدوله در نشریه ی سالنامه ی ایران سال ۱۲۵۲ شمسی جمعیت کشور را بالغ بر ۱۱/۵ میلیون نفر (۱۳) درصد جمعیت شهرنشین، ۴۳/۵ درصد روستانشین و ۴۳/۵ درصد چادرنشین) گزارش نمود. طی سال های بعد برآوردهایی متفاوت از جمعیت ایران صورت گرفت که ارقام آن با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران آن زمان و رشد جمعیت مورد انتظار تفاوت های چشمگیری را نشان می دهد. بررسی ها حاکی از آن است قبل از اولین سرشماری رسمی ایران (سال ۱۳۳۵) بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰، رشد شهرنشینی با سرعت نسبتاً آهسته ای، (حدود ۳۹٪ در سال بوده است. در سال ۱۳۰۰ جمعیت شهرنشین کشور ۱۷/۸ درصد کل جمعیت برآورد شد و در سال ۱۳۲۰ به ۲۲/۶٪ افزایش می یابد و تا سال ۱۳۳۰ به مقدار ۵٪ دیگر به این رقم افزوده می شود که نشان از روند شتابناک شهرنشینی طی زمان است (امانی ۱۳۸۰: ۳۱). جمعیت شهری ایران از زمان اولین سرشماری رسمی تا کنون همواره افزایش یافته است، وضعیتی که در مورد جمعیت روستایی صدق نمی کند. رقم مطلق جمعیت شهری در ۵۰ ساله ی اخیر مرتباً افزایش داشته است، در حالیکه جمعیت روستایی کشور از سرشماری ۱۳۷۵ با کاهش روبه رو بوده است. از مجموع جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵، حدود ۳۱ درصد شهرنشین بوده اند که این رقم در سرشماری های بعد با یک روند نسبتاً ثابت افزایش یافته و در سال ۱۳۸۵ به ۶۸/۵ درصد رسیده است. به بیان دیگر، در طول نیم قرن، درصد شهرنشینی در کشور بیش از ۲ برابر شده است که حاکی از روند بسیار شتابان شهرنشینی در این مدت می باشد. طبیعتاً با افزایش درصد شهرنشینی، درصد روستانشینی کاهش می یابد. بدین جهت، با آنکه جمعیت روستایی کشور از ۱۳ میلیون در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۲۲ میلیون در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت؛ اما سهم آن از ۶۹/۶ درصد به ۳۱/۵ درصد تقلیل پیدا کرده است. در تمام طول ۵۰ ساله ی سرشماری کشور، رشد جمعیت شهری بیش از ۲/۵ برابر رشد جمعیت مناطق روستایی بوده

است و باز همچنان نماد روند شتابان شهرنشینی در کشور. این اختلاف در رشد همچنان ادامه خواهد یافت، هر چند که روند رشد شهری کاهش می‌یابد. جمعیت روستایی کشور از سال ۱۳۷۵ با رشد منفی مواجه شده بود و همچنان این رشد منفی را ادامه خواهد داد. سهم جمعیتی کلانشهرها نیز به تدریج در طول این دوره ۵۰ ساله افزایش می‌یابد. سهم جمعیتی شهر تهران در سال ۱۳۳۵ بیش از یک چهارم جمعیت شهری کل کشور است؛ به این معنا که از هر ۴ نفر شهری ۱ نفر در تهران زندگی می‌کرده است. در سال‌های ۴۵ و ۵۵ این درصد افزایش یافته و به بیش از ۲۸ درصد می‌رسد. سهم کلانشهرها در سرشماری‌های بعد همچنان افزایش می‌یابد و در سال ۱۳۸۵ به ۳۳ درصد می‌رسد. این تمرکزگرایی جمعیتی، خاص شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد که بخش زیادی از جمعیت شهری آن‌ها در یک یا چند نقطه‌ی شهری متمرکز می‌شوند. مهاجرت یکی از عوامل اصلی رشد جمعیت شهری است. عموم مهاجرت‌ها در سطح داخلی به صورت روستا-شهری است و در مطالعات شهری به آن توجه خاصی می‌شود. مهاجرت شهر-روستا و مهاجرت شهر-شهر در تغییرات روندهای شهرنشینی در سطح کل کشور اثر چندانی ندارد و بیش‌تر خود را در مهاجرت به شهرهای بزرگ و مسایل خاص آن همچون حاشیه‌نشینی نشان می‌دهد.

راونشتاین قوانین مهاجرتی ای را بیان می‌کند که بر اساس آن تمام مهاجرت‌ها بین بخش‌های مختلف مناطق اتفاق می‌افتد و جریان‌ها و ضد جریان‌هایی طی آن نیز شکل می‌گیرند که به لحاظ حجم، کم و بیش برابرند، اما مهاجرت روستا-شهری مرتباً به صورت نامتقارن است، زیرا جریان روستا-شهر غالب‌ترین جریان موجود می‌باشد (Pumain, ۲۰۰۶: ۳۲۹). سهم مهاجرت در رشد جمعیت شهری، اهمیت مهاجرت در موضوع شهرنشینی را بیش‌تر روشن می‌سازد. سهم مهاجرت در رشد شهری کشور در طول دوره‌های سرشماری قابل ملاحظه بوده است. در تمام دوره‌های سرشماری این عدد بیش از ۳۵ درصد بوده است. در دوره‌ی ۴۵-۱۳۳۵، مهاجرت کمترین سهم را داشته ولی در دوره‌ی ۶۵-۱۳۵۵ سهم آن به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. نرخ مهاجرت در اولین دوره‌ی سرشماری‌ها ۱/۵۴ برآورد شده است. بعد از سال ۱۳۴۵، به دلیل تأثیرات اصلاحات ارضی، تغییر ساختار اقتصادی-اجتماعی کشور، گسترش نسبی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تحولات پس از آن، تمرکز سرمایه‌ها در بخش‌های غیر کشاورزی به ویژه در نواحی شهری، گرانی نفت و درآمدهای هنگفت نفتی موجب تشدید اختلاف بین نواحی شهری و روستایی و بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) گردید. در نتیجه، به هم خوردن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، روند جابجایی جمعیت‌ها به ویژه بین نواحی شهری و روستایی را تشدید کرد که نمود عینی آن در نتایج سرشماری‌های ۱۳۵۵ و بعد کاملاً منعکس و مشخص است (جوان، ۱۳۸۰: ۳۱۸). در این دوره، سهم مهاجرت در رشد شهری نسبت به دوره‌ی قبل حدود ۸ درصد افزایش می‌یابد و به طور طبیعی نرخ مهاجرت هم افزایش می‌یابد. یکی از ویژگی‌های این دوره شدت گرفتن مهاجرت‌فرستی سایر استان‌ها به سوی شهر تهران است که در سال ۱۳۴۵ جزو استان مرکزی بوده است (زنجان، ۱۳۸۰: ۸۳). در دهه بعد، روند افزایش سهم مهاجرت معکوس می‌گردد و سهم آن به زیر ۴۰

درصد تقلیل می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود که فاصله‌ی بین رشد طبیعی و رشد مطلق جمعیت شهری کاهش یابد. در دهه‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، سرعت مهاجرت و جابجایی جمعیت ۵۰٪ افزایش یافت (امانی ۱۳۸۰: ۴۱). از بابت اهمیت نسبی جهت حرکات مهاجرتی طی این دوره، ۲۲٪ (مهاجران روستا - شهر)، ۴۹٪ (شهر - شهر)، ۱۱٪ (روستا - روستا) و مابقی یعنی ۱۸٪ (شهر - روستا) بوده است. نسبت شهرنشینی مهاجران از ۸۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۷۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت که می‌تواند نوعی کاهش فشار بر جمعیت شهری به حساب آید که رویداد مثبتی در جهت دهی آنان محسوب می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

روندهای مهاجرت طی دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵ تقریباً مشابه روندهای دهه‌ی قبل و تعداد مهاجران حدود ۱۲/۱ میلیون نفر که ۹۷٪ آنها مهاجران داخل کشور می‌باشند. سهم مهاجرت شهر-شهر در این مدت افزایش یافت و به ۵۴ درصد رسید، اما سهم مهاجرت روستا - شهر با اندکی کاهش نسبت به دوره‌ی قبل، به ۲۰ درصد تقلیل پیدا کرد. سهم مهاجرت از روستا - شهر حدود ۱۷ درصد و روستا-روستا با کمترین رقم حدود ۹ درصد برآورد می‌گردد. بنابراین، در این دوره نقش مهاجرت‌های شهر-شهر بسیار پررنگ است. طبق اصل مهاجرت مرحله‌ای راونشتاین، مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد که در دوره‌های قبل مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک‌تر صورت گرفته و در سال‌های اخیر بر شدت مهاجرت‌های شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر افزوده شده است (قاسمی اردهائی و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۲۵). مهاجرت از شهر به شهر عموماً از سمت شهرهای کوچک و کم‌تر توسعه یافته به سمت شهرهای بزرگ و توسعه یافته‌تر می‌باشد. مراکز استان‌ها و به ویژه شهر و استان تهران به واسطه‌ی موقعیت خاص اقتصادی و سیاسی و علمی از مهم‌ترین مقاصد مهاجران به شمار می‌رود و در طول سرشماری‌ها بخش زیادی از مهاجران به این مناطق وارد شده‌اند.

گسترش شهرنشینی هم افزا با آسیب‌های اجتماعی اقتصادی از مشخصه‌های اصلی الگوی توسعه شهری کشور ایران در چند دهه اخیر است و رشد و توسعه شتابان و توزیع نامتعادل در دوره جدید، یکی از عوامل اصلی بروز آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. در واقع رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کلانشهرها، و تمرکزگرایی جمعیتی شهری آسیب‌های اجتماعی و کالبدی بسیاری را به دنبال داشته است بویژه کلانشهرها که از مهم‌ترین مراکز و کانون‌های بروز ناهنجاری‌ها و جرائم مختلف اجتماعی بوده‌اند. خود مهاجرت به مثابه یک آسیب اجتماعی به معنای پذیرش معلولی است که از الگوی خاصی از توسعه (توسعه برون‌زا و نامتوازن و غیر اصیل) ناشی می‌شود با این توضیح که خودمهاجرت علت مسائل اجتماعی نیست بلکه بعنوان معلول الگوی خاصی از توسعه، نقش متغیر واسطی را در افزایش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی ایفا می‌نماید. تحلیل پویای اجتماعی جامعه شهری ایران طی دهه‌های اخیر و بررسی نقش پدیده مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش آسیب‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است مهاجرت روستایی، حاشیه‌نشینی، ناهمگونی در بافت اجتماعی و نارسایی در ارائه خدمات اجتماعی، بردارهای اصلی رشد شتابان شهرنشینی و توزیع نامتعادل آن در

شبکه شهری است. بنابراین همان گونه که توسعه برونزا و غیر اصیل و نامتوازن از طریق تقویت کننده و تشدید کننده ای به نام مهاجرت و به خصوص مهاجرت روستا-شهری، موجب پیدایش گونه ای از شهرنشینی نامتوازن و آسیب زا می گردد، مهاجرت روستا-شهری نیز از طریق تشدید شهرنشینی نامتوازن و و تمرکزگرایی جمعیتی شهری و پدیده تشدید کلانشهرها و قطبی شدن جمعیت، موجب پیدایی و افزایش و تقویت آسیب های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی جوامع شهری می گردد.

رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلانشهرها عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب های شهری متعددی همراه بوده است ناهنجاری های کالبدی، ناهنجاری های تاسیساتی، آسیب های اقتصادی، آسیب های زیست محیطی، نارسایی های خدماتی و بالاخره آسیب های اجتماعی در حوزه های شهری از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان به شمار می رود. در طول تاریخ نرخ جرائم و آسیب ها در نواحی شهری همواره بالا بوده است (Dhaliwal, ۲۰۰۰: ۳۱۰). در حال حاضر نیز شهرها به ویژه کلانشهرها چه در ایران و چه در سایر کشورهای نقاط جهان مهم ترین کانون های بروز ناهنجاری و جرائم اجتماعی هستند به همین دلیل در فرآیند برنامه ریزی شهری برای یک شهر سالم، کاهش جرم و جنایت در محیط های شهری به ویژه در حومه های شهری جدید یکی از مهم ترین اهداف در ایجاد شهر سالم به شمار می رود. (Gerda et al, ۱۹۹۸: ۱۷)). در جامعه شناسی شهری اولین حرکت برای تبیین نظریه جامعه شناسی جرائم شهری در مطالعات اجتماعی، با ظهور مکتب شیکاگو در دهه دوم قرن حاضر آغاز شد این مکتب بر اساس تجربه ناهنجاری های اجتماعی در شهرهای بزرگ صنعتی آمریکا با الهام از مفهوم اکولوژیکی در علوم زیستی، مفاهیم اکولوژی اجتماعی را وارد مطالعات شهری کرد (شکوهی، ۱۳۶۵: ۱۶-۱۷) این مکتب رفتار یک شهروند را در قالب محیط اجتماعی قابل مطالعه می داند و جرائم و انحرافات اجتماعی در محیط های شهری با توجه به وسعت شهر، تراکم جمعیت و ناهمگونی های فرهنگی در مکان های شهری جدید به تحلیل می کشد (رمی، ۱۳۵۸: ۲۱ - ۲۲). در جامعه شناسی معاصر جرایم شهری و آسیب شناسی رفتاری شهر نشینان از منظر تحولات اجتماعی و اقتصادی ساختاری در بعد جهانی مورد توجه قرار می گیرد. این دیدگاه کلان نگر در چارچوب اقتصاد سیاسی با رویکردی فراملی نقش عواملی چون تقسیم کار جهانی و فاصله طبقاتی را در تحلیل ناهنجاری های شهری مورد استفاده قرار می دهد در همین حال در سال های اخیر توجه به محله گرایی و تحلیل جرائم شهری با استفاده از مدل های نظریه خرد در جامعه شناسی شهری به سرعت رشد کرده است

از دیدگاه جغرافیای شهری دو مدل تئوریک در تبیین جغرافیایی جرایم شهری مورد توجه است مدلی که مناطق مرکزی شهرها را خاستگاه جرائم شهری میداند و با الگوی شهرنشینی کشورهای غربی هماهنگ است و مدلی که جرائم آسیب های شهری را در نواحی حاشیه شهرها جستجو می کند و با جغرافیای جرائم شهری کشور های در حال توسعه منطبق است.

مطابق مدل دوم، مهاجرت غالب روستا-شهری از طریق تشدید حاشیه نشینی، کلانشهری و قطبی شدن و در نتیجه شهرنشینی نامتقارن و ضد توسعه، باعث ناهنجاری‌های کالبدی، ناهنجاری‌های تاسیساتی، آسیب‌های اقتصادی، آسیب‌های زیست‌محیطی، نارسایی‌های خدماتی و بالاخره آسیب‌های اجتماعی در حوزه‌های شهری می‌گردد. از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان و نامتوازن در طول تاریخ افزایش نرخ جرائم و آسیب‌ها در نواحی شهری بوده است (Dhaliwal, 2000: 310). توجه به پدیده مهاجرت به ویژه در شکل روستا-شهری آن تا آنجا که به عرصه‌های اجتماعی جامعه شهری مربوط می‌شود از دو منظر دارای اهمیت است اول این که مهاجرت خود به عنوان یک آسیب اجتماعی در سیستم ضد توسعه عمل می‌کند و دوم اینکه مهاجرت به مثابه زمینه‌ساز برخی از آسیب‌های اجتماعی باز در همان دستکاه توسعه نامتقارن است. مهاجرت روستا-شهری با آسیب‌های اجتماعی زیر در شهرها رابطه نزدیکی دارند: آلودگی نشینی و حاشیه نشینی در شهرها (اسکان غیررسمی) و ایجاد ناهمگونی در بافت اجتماعی فرهنگی جامعه شهری.

بررسی روندهای تاریخی حاشیه نشینی در ایران بیانگر آن است که این پدیده در سه دوره شدت گرفت که با روندهای حاکم بر مهاجرت‌های روستایی در ایران تطابق دارد دوره اول با تحولات پس از سال ۱۳۲۰ به گونه‌ای آرام و فصلی آغاز شد و از سال ۱۳۳۲ با تداوم برنامه‌های نوسازی جامعه که غالباً برنامه‌های شهری بودند گسترده تر شد، از سال ۱۳۵۱ به بعد یعنی پس از برنامه اصلاحات ارضی شدت بیش تری یافت و از آن پس تاکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل، جایگاهی ویژه در آسیب‌شناسی شهری به ویژه در شهرهای بزرگ به دست آورد. در سال ۱۳۵۹ در مجموع ۴ منطقه حاشیه نشین با جمعیتی در حدود ۱۰ هزار نفر در سطح شهر تهران وجود داشته است در حالی که در سال ۱۳۶۵ در اطراف این شهر بیش از ۵۰ هزار آلودگی وجود داشت که حدود ۸ هزار خانوار را در خود اسکان داده اند (پیران، ۱۳۶۶: ۴۷). نتایج آماری سرشماری سال ۱۳۷۵ بیانگر آن است که ۱۳۳۵۹ خانوار شهری (یعنی ۱۷ درصد جمعیت شهرنشین) در مساکن ناهنجار زندگی می‌کردند، از این تعداد ۴۷۴ خانوار در چادر، ۱۳۵۵ خانواده در آلودگی و زاغه و ۱۵۹۹ خانوار در کپر و مابقی در سایر انواع مساکن ناهنجار سکونت داشته‌اند. طی دو دهه اخیر جمعیت حاشیه نشین در شهرهای ایران به ترتیب ۲۰ و ۳۰ درصد افزایش داشت و شهرک‌هایی به وجود آمد که به طور غیر رسمی ساکنانشان را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸). امروز آلودگی نشینی تنها به شکل یک فضای زیستی در حاشیه شهر بلکه حتی در بدنه اصلی و در محدوده حریم قانونی شهرها قابل مشاهده است.

ناهمگونی در بافت اجتماعی جامعه شهری نیز یکی از آثار مهاجرت است. تنوع و ناهمگونی در میان ساکنان شهری چه به لحاظ خاستگاه اجتماعی و چه به لحاظ منزلت اجتماعی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی به ویژه در کلانشهرهای کشور است. وجود ۷۵٪ جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی کشور تنها در شهر تهران، علاوه بر اینکه در ارتباط با بارگذاری و تراکم بحرانی جمعیت شهر قرار دارد به همان اندازه در ارتباط با بافت اجتماعی شدیداً نامتجانس و ناهمگون آن قابل تحلیل است. در جوامع باساختار و

خاستگاه اجتماعی متنوع و پیچیده، قدرت عمل مکانیزم‌های کنترل و نظارت چه در بعد مالی و چه قانونی، تا حداقل ممکن کاهش می‌یابد و فضای مناسبی برای بروز جرم و ناهنجاری ایجاد می‌شود. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از مجرمین شهر تهران مجرمین غیربومی هستند و خارج از این شهر متولد شدند و ۱۳ درصد آنان را افرادی تشکیل می‌دهند که هیچ‌گونه محل سکونتی در این شهر نداشتند و تنها برای چند ساعت برای انجام جرم به تهران آمده‌اند (کلانتری، ۱۳۸۱) این ویژگی بیانگر آن است که شهرهای مهاجرپذیر کلانشهرها و در رأس آن‌ها تهران صحنه مناسبی برای اجرای جرائم به شمار می‌روند جرایمی که در نقاط دیگر زمینه و نضج و پتانسیل گرفته‌اند و در فضای جغرافیایی این شهر فعلیت می‌یابند و این با جذابیت و کشش پذیری ساختار اجتماعی - قومی بسیار ناهمگون و نامتجانس این شهرها در پیوند است. در حقیقت می‌توان گفت که مجرمین و بزهکاران ادراک زیرکانه‌ای از محیط‌های جغرافیایی مناسب برای انجام جرم دارند. آن‌ها برای این منظور به نوعی انتخاب جغرافیایی از محیط دست می‌زنند و به همین دلیل، لزوم آسیب‌شناسی سازمان‌یابی فضای جغرافیایی شهر مورد تأکید است. طلاق به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، که در عرصه خانوادگی اتفاق می‌افتد از ناهنجاری‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی متأثر می‌شود و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد. داده‌های آماری بیانگر آن است که طلاق از جمله آسیب‌های اجتماعی رشد یافته شرایط کشور در دو دهه اخیر است و در خلال دوره (۱۳۶۵-۷۸) به طور میانگین ۸۵ درصد کل وقایع طلاق کشور در جوامع شهری رخ داده‌اند. (سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸). شهرهای استان تهران و در رأس آن شهر تهران بیش‌ترین میزان طلاق در میان استانها و شهرهای کشور را نشان می‌دهد در مقابل جوامع شهری استان‌هایی نظیر ایلام، سیستان و بلوچستان چهارمحال و بختیاری و بویژه استان یزد که هنوز در روند توسعه شتابان شهرنشینی قرار نگرفته‌اند و خصلت روستا نشینی خود را تا اندازه‌ای حفظ کرده‌اند کمترین میزان طلاق را نشان می‌دهد. افزایش طلاق بعنوان یک آفت و آسیب اجتماعی خانواده بویژه در جوامع شهری کشور سبب شده که ایران در زمره یکی از ۴ کشور پرطلاق دنیا قرار گیرد. طلاق می‌تواند دلایل مختلف و پیامدهای اجتماعی متعددی داشته باشد می‌توان انتظار داشت جایی که میزان طلاق بالاست افت تحصیلی و بزهکاری افراد هم بیش‌تر باشد این پدیده در فرآیندی از کنش و واکنش متقابل و پیچیده هم‌ناظر و هم‌متناظر بر بسیاری پدیده‌ها و آسیب‌های اجتماعی است و به همین دلیل توجه به آن در آسیب‌شناسی اجتماعی اقتصادی جوامع شهری کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

خدمات اجتماعی که طیف نسبتاً گسترده‌ای از خدمات عمومی را در بر می‌گیرد از جمله شاخص‌های رفاه اجتماعی است که از تحولات شهرنشینی متأثر می‌شوند و اثرات ناشی از رشد جمعیت شهری را به خوبی در خود منعکس می‌کنند. در این میان، بررسی خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی به دلیل ارتباط نزدیک‌تری که با سطح رفاه و برخوردارگی اجتماعی دارد در مطالعه مسائل اجتماعی شهرها از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. نرخ قابل توجه بیسوادی در جمعیت شهرنشین به معنای آن است که رشد مراکز و عرضه خدمات آموزشی در شهرها، همپای نرخ رشد جمعیت شهرنشین پیش نمی‌رود و می‌توان گفت رشد شتابان شهرنشینی

که معرف افزایش تقاضای مصرف نیز می باشد بسیاری از اقدامات مربوط به عرضه خدمات آموزشی در شهرها را بی اثر و یا تعدیل کرده است. توزیع امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی شهرهای کشور نیز با چنین شرایطی مواجه است. آمارهای وزارت بهداشت، درمان و بهداشت نشان می دهد که تعداد مراکز بهداشتی و درمانی شهرها گرچه در یک روند تحولی و مطلوب، دو برابر شده است اما نسبت جمعیتی تحت پوشش به ازای هر واحد (یا سرانه آن) که شاخص برخورداری از اینگونه امکانات را نشان می دهد از ۱۳۱۱۴ نفر ابتدای این دوره به ۹۷۳۲ نفر در پایان آن رسیده است (مرکز آمار ۱۳۸۰ صفحه ۶۸) که متناسب با روند بهبود در قدر مطلق این شاخص نیست. چرا که تعداد این مراکز در دوره های یاد شده با ۵۰ درصد رشد همراه بوده؛ اما شاخص سرانه برخورداری فقط ۲۵ درصد بهبود را نشان می دهد. در حقیقت ۲۵ درصد دیگر به دلیل مواجه شدن با رشد شتابان شهرنشینی یعنی افزایش تقاضای مصرف، هیچ گونه تاثیری بر بهبود شاخص برخورداری بهداشتی و درمانی شهرنشینان و ارتقا کیفیت زندگی آنان بر جای نگذاشته است. در مورد تخت های بیمارستانی، روند تحول کاملاً معکوسی را می توان مشاهده کرد گرچه آمارها نشان می دهد تعداد تخت های بیمارستانی جوامع شهری کشور نزدیک به دو برابر شده است (مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۰: ۶)، ولی شاخص برخورداری آن به ازای هر یک هزار نفر جمعیت شهرنشین از ۳/۳۵ تخت به ۱/۶۴ تخت تقلیل یافت. این روند تحول، به معنای آن است که در سال ۱۳۷۵ سطح برخورداری جمعیت شهرنشین از امکانات تخت بیمارستانی، ۵۱٪ کمتر از رقم دو دهه قبل از آن (یعنی سال ۱۳۵۵) بوده که در ارتباط با رشد فزاینده جمعیت شهرنشین و اثرات انکارناپذیر آن بر این شاخص، قابل تحلیل می باشد.

چنین شرایطی را می توان در ارتباط با عاملین و امکانات بهداشت و درمان موجود در شهرها مانند تعداد پزشک، دندانپزشک، داروخانه، آزمایشگاه طبی و رادیولوژی، نیز ردیابی کرد و نتایج آن را در ارتباط با رشد بحرانی جمعیت شهری به تحلیل کشید (بهداشت و درمان، ۲۲: ۱۳۸۰).

جمع بندی و نتیجه گیری

آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، نشان می دهد که جمعیت شهرنشین کشورهای توسعه یافته ۷۵ درصد، کشورهای در حال توسعه ۴۴ درصد و کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی ۲۷ درصد می باشد (United Nation, ۲۰۰۹). رابطه مثبت بین شهرنشینی و درآمد سرانه یکی از واضح ترین و برجسته ترین حقایق روندهای توسعه است. به طور کلی، توسعه بیشتر یک کشور، با سنجش درآمد سرانه ی بالاتر و درصد بیشتر افراد ساکن در شهرها مشخص می شود (Todaro, ۲۰۰۵: ۳۲۱). اما نتایج بررسی در مقاله حاضر نشان می دهد که این واقعیت به ظاهر روشن، یک حکایت پنهان اما واقعی را نیز در خود دارد که شهرنشینی و توسعه هر دو با توجه شرایط و محیط و تاریخ یک کشور می توانند مثبت و یا منفی ارزیابی شوند. تاریخ تحولات جهان در دو گروه کشورهای توسعه یافته و بلوک غرب و کشورهای در حال توسعه و بلوک شرق و یا عبارتی جهان اول و جهان سوم نشان می دهد که شهرنشینی متوازن بعنوان نتیجه تکامل طبیعی و تدریجی و تاریخی انقلاب های کشاورزی

و صنعتی در جغرافیای جهان غرب در ارتباط با مهاجرتی طبیعی و مثبت شکل گرفته است که نتیجه رشد نیروهای مولد، توسعه زنجیره های تکاملی ارزش و آزادسازی نیروی انسانی بخش های سنتی کشاورزی و تولید و جذب آن در بخش های رشد یافته صنعت و خدمات می باشد در مقابل شهرنشینی علیل و آسیب زا و نامتقارن در ارتباط با مهاجرتی افسار گسیخته و شتابان، بدلیل ضعف عملکرد سیاستگذاری های غلط و ناکارآمدی در توسعه و شرایط فشارنده برون زا، موجب تثبیت تولید سنتی و معیشتی و عدم رشد نیروهای مولد و تشدید فقر و محرومیت و نابرابری است، وضعیتی که از بازتولید آن، مهاجرتی شتابان با امواج های سنگین به یکباره منجر به گونه ای شهرنشینی می گردد که پیامد آن؛ فقر، حاشیه نشینی، عدم توازن کالبدی و فضایی، آسیب های اجتماعی و اقتصادی است. تحولات توسعه و شهرنشینی در ایران نیز تابع تحولات مشترک کشورهای در حال توسعه است. بعبارتی پرسش اساسی تر این است که چه نوع توسعه ای وطی کدام فرآیند مهاجرت منجر به کدام گونه شهرنشینی می شود؟ می توان گفت که رشد شتابان جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، تا حد زیادی ناشی از سرریز جمعیت روستایی و ادامه حرکت های مهاجرتی است که به عواملی چون؛ ورود کندصنعت به حوزه های کشاورزی، افزایش نسبی قابلیت تولید و آزاد شدن نیروی انسانی و سپس روانه شدن آن به شهر، فقدان زمین قابل کشت مورد نیاز، بهره برداری بیش از حد منابع تولید و فرسایش خاک و نبود اصلاحات لازم در زمینه های مختلف، حوادث طبیعی و پیامدهای منفی زیست محیطی، سهولت نسبی دستیابی به خدمات اساسی در شهر و... بستگی دارد. در صورتی که عمده ترین ویژگی در شهرهای کشورهای توسعه یافته، در کاهش نرخ مولید به میزانی کمتر از حد جایگزینی است و نتیجه طبیعی آن افزایش نسبت کهنسالان در کل جمعیت با پیامدها و نتایج خاص خود است. زمینه های رشد شهرنشینی در ایران به طور دقیق از دهه ۱۳۰۰، مقارن با گسترش روابط اقتصادی- اجتماعی سرمایه داری فراهم شد. متعاقب آن، فرآیند تحولات و شکاف عمیق اقتصادی بین جامعه روستایی و شهری و مهاجرت گسترده از روستا به شهر باعث رشد سریع و شتابان جمعیت شهرها و تعدد آنها شد. عوامل دافعه روستایی بعد از اصلاحات ارضی، به ویژه در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی و کاهش فعالیت های آن در کنار عوامل جاذبه شهری، یعنی ویژگی های مثبت شهرها با دگرگونی های وسیع اقتصادی و نیاز به نیروی کار فراوان و ارزان، موجب کاهش روزافزون شاغلان بخش کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهرها گردید. در دوره های ۶۵-۱۳۳۵، رشد شهری بسیار شدید و انفجاری بود. آخرین سرشماری کشور (۱۳۸۵) نشان می دهد که جمعیت شهری به بیش از دوسوم کل جمعیت کشور افزایش یافته و پیش بینی ها حکایت از افزایش این نسبت و رسیدن آن به سطحی بیش از سه چهارم در سال ۲۰۲۵ (۱۴۰۴ ه.ش) دارد.

سهم قابل ملاحظه ای از افزایش جمعیت شهری را باید به تبدیل نقاط روستایی به شهر نسبت داد. جدای از روستاهای پنج هزار نفری که بدون ضابطه مندی شهری، شهر محسوب شدند، عامل مهاجرت، به ویژه مهاجرت روستا-شهری، رکن اصلی رشد جمعیت شهری هم در سطح کلان کشوری و هم در سطح یک منطقه شهری

می باشد. مهاجرت از شهر به شهر در تغییرات درصد شهرنشینی در سطح کل کشور تأثیری ندارد گرچه در تغییرات جمعیتی شهرها، بالاخص شهرهای بزرگ و دارای امکانات کاملاً موثر است. مهاجرت روستا- شهری و شهر به شهر غالباً به سمت شهرهای بزرگی مثل تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و به ویژه کرج بوده است. آمارها و اطلاعات حاکی از این است که بخش زیادی از جمعیت شهری کشورمان در تعداد محدودی کلان‌شهر کشور متمرکز شده‌اند. نگاهی به توزیع جمعیت در شهرهای مختلف و بررسی‌های انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد، الگوی توسعه شهری و افزایش جمعیت شهرها در ایران الگوی تسلط تک شهری و تمرکزگرایانه بوده است کلان‌شهرهای محدودی بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری را به خود جذب کرده اند.

از مهاجرت افسار گسیخته در وضعیت توسعه نیافتگی تنها شهرنشینی پر آسیب حاصل می‌گردد شکلی آنومیک که اکثریت کشورهای جهان سوم یا توسعه نیافته را دچار خود می‌سازد. پیامدهایی چون ایجاد محلات پرجمعیت، حاشیه نشینی، فقر، بیکاری، انحرافات اجتماعی، مسئله ترافیک و مشکل آلودگی هوا، آلودگی های صوتی و نوری و مسئله مسکن، ناامنی و شورش، از جمله چالش های بی شماری است که به عنوان پیامدهای شهرنشینی علیل، مد نظر می باشند. مهاجرت غالب روستا-شهری از طریق تشدید حاشیه نشینی، کلانشهری و قطبی شدن و در نتیجه شهرنشینی نامتقارن و ضد توسعه، باعث ناهنجاری های کالبدی، ناهنجاری های تاسیساتی، آسیب های اقتصادی، آسیب های زیست محیطی، نارسایی های خدماتی و بالاخره آسیب های اجتماعی در حوزه های شهری می گردد. از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان و نامتوازن در طول تاریخ افزایش نرخ جرائم و آسیب ها در نواحی شهری بوده است (Dhaliwal, 2000: 310).

بر اساس بررسی های بعمل آمده مهاجرت خود در یک سیستم ضد توسعه به عنوان یک آسیب اجتماعی عمل می کند و در عین حال زمینه ساز برخی از آسیب های اجتماعی در همان دستگاه توسعه نامتقارن است. مهاجرت روستا- شهری با آسیب های اجتماعی چون آلونک نشینی، حاشیه نشینی در شهرها و ایجاد ناهمگونی در بافت اجتماعی فرهنگی جامعه شهری رابطه نزدیکی نشان داد. بررسی روندهای تاریخی حاشیه نشینی با روندهای حاکم بر مهاجرت های روستایی در ایران تطابق دارد و در دهه های اخیر جمعیت حاشیه نشین در شهرهای ایران ۳۰٪ افزایش داشت و به شکل گیری شهرک های حاشیه نشین منجر شد. امروز آلونک نشینی حتی در بدنه اصلی و در محدوده حریم قانونی شهرها نیز قابل مشاهده است. ناهمگونی در بافت اجتماعی جامعه شهری نیز یکی از آثار مهاجرت است. تنوع و ناهمگونی در میان ساکنان شهری از نظر خاستگاه اجتماعی و منزلت اجتماعی و فرهنگی از مهمترین عوامل بروز آسیب های اجتماعی به ویژه در کلانشهرهای کشور است. در چنین ساختارهایی قدرت عمل مکانیزم های کنترل و نظارت چه در بعد مالی و چه قانونی، کاهش می یابد و فضایی مناسب برای بروز جرم و ناهنجاری ایجاد می شود. وجود ۷۵٪ جرایم و ناهنجاری های اجتماعی کشور تنها در شهر تهران در ارتباط با بافت اجتماعی شدیداً نامتجانس و ناهمگون آن قابل توجیه است. طلاق از جمله آسیب های اجتماعی رشد یافته در دو دهه اخیر است و در خلال دوره (۱۳۶۵-۷۸) به طور میانگین

۸۵ درصد کل وقایع طلاق کشور در جوامع شهری رخ داده اند. (سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸). افزایش طلاق بعنوان یک آفت و آسیب اجتماعی خانواده بویژه در جوامع شهری سبب شده که ایران در زمره یکی از ۴ کشور پرطلاق دنیا قرار گیرد. جایی که میزان طلاق بالاست افت تحصیلی و بزهکاری افراد هم بالاتر خواهد بود. این پدیده در یک فرآیندی از کنش و واکنش متقابل و پیچیده هم ناظر و هم متناظر بر بسیاری از پدیده ها و آسیب های اجتماعی است. بررسی خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی به دلیل ارتباط نزدیک تری که با سطح رفاه و برخورداری اجتماعی دارد در مطالعه مسائل اجتماعی شهرها از اهمیت خاصی برخوردار است. رشد شتابان شهرنشینی که معرف افزایش تقاضای مصرف نیز می باشد بسیاری از اقدامات مربوط به عرضه خدمات آموزشی در شهرها را بی اثر کرده است. گرچه طی دوره های مورد بررسی تعداد مراکز بهداشتی و درمانی با ۵۰ درصد رشد همراه بوده ولی شاخص سرانه برخورداری فقط ۲۵ درصد بهبود را نشان می دهد. در حقیقت ۲۵ درصد دیگر به دلیل مواجه شدن با رشد شتابان شهرنشینی یعنی افزایش تقاضای مصرف، هیچ گونه تاثیری بر بهبود شاخص برخورداری بهداشتی و درمانی شهرنشینان و ارتقا کیفیت زندگی آنان بر جای نگذاشته است. شاخص برخورداری از تخت بیمارستان به ازای هر هزار نفر جمعیت شهرنشین از ۳/۳۵ تخت به ۱/۶۴ تخت تقلیل یافت چنین شرایطی را می توان در ارتباط با عاملین و امکانات بهداشت و درمان موجود در شهرها مانند تعداد پزشک، دندانپزشک، داروخانه، آزمایشگاه طبی و رادیولوژی، نیز ردیابی و تأیید کرد. راهکار برون رفت از این سیکل معیوب جز اصلاح سیستم توسعه وابسته نیست در این راستا دولت توسعه گرا باید ضمن آگاهی از وضعیت و شرایط شکننده تاریخی و جغرافیایی و شناخت مخاطرات عوامل بیرونی تأثیرگذار نظام جهانی، دست به طراحی مدلی از توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی درون زا بزند که از مهمترین ویژگی های آن پایداری، توازن، همه جانبه نگری و اجتماع محور بودن آن است.



منابع و مآخذ

- ۱- آری‌آگا، ادوارد (۱۳۷۸)، روش‌های تحلیل جمعیت، ترجمه‌ی فاروق امین مظفری، تبریز: انتشارات احرار.
- ۲- امانی، مهدی (۱۳۸۰)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- پیران، پرویز (۱۳۶۶)، آلودگی‌های شهری در تهران؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مجله‌ی سیاسی-اقتصادی، سال دوم، شماره ششم، صفحات ۱-۴.
- ۴- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، مهاجرت‌های داخلی در شهرهای در حال توسعه، مترجم مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران، انتشارات دفتر بین‌المللی کار.
- ۵- جوان، جعفر (۱۳۸۰)، جغرافیای جمعیت ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۶- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب، در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۲۰۶-۱۷۷.
- ۷- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱)، حاشیه‌نشینی بحران‌رو به رشد در تهران، مجله همشهری، ۱۷ اردیبهشت.
- ۸- خلیلی عراقی، منصور، نوبهار، الهام، و کیری رنانی، معصومه (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر رشد جمعیت شهرستان‌های ایران رهیافت اقتصادسنجی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۳، سال پنجم، پائیز ۹۶، صص ۷-۱۲.
- ۹- دانشور کاخکی، محمود، و دیگران (۱۳۸۵)، بررسی تاثیر افزایش بهره‌وری کشاورزی بر مهاجرت روستائیان ایران، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی شماره ۴.

- ۱۰- رمی، ژان (۱۳۵۸)، تاریخچه مختصری از جامعه شناسی شهری مکتب شیکاگو، ترجمه مینا مخبری، مفهوم شهر، تهران: نشر ایران.
- ۱۱- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- شکوهی حسین (۱۳۶۵)، جغرافیای اجتماعی شهرها؛ اکولوژی اجتماعی شهر. تهران: جهاد دانشگاهی،
- ۱۳- قاسمی اردهائی، علی و حسینی راد، علی (۱۳۸۷)، جریانهای مهاجرتی ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌ی ۶۵ و ۶۶، تهران: سازمان ثبت احوال کشور.
- ۱۴- کلانتری، محسن (۱۳۸۱)، توزیع جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، گروه جغرافیا.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در سالهای ۸۵-۱۳۳۵.
- ۱۶- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹.
- ۱۷- نقدی، اسداله (۱۳۸۱)، توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن در ایران، فصلنامه جمعیت، ش ۳۹-۴۰، ص ۱-۳۴.
- ۱۸- وزارت بهداشت و درمان (۱۳۸۰)، بررسی سلامت و بیماری در ایران، نتایج کل کشور.
- ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۰)، شاخصهای منتخب طرحریزی کالبدی، جلد ششم.
- ۲۰- یانگ، الپث (۱۳۸۱)، مهاجرت داخلی، در کتاب درآمدی بر مطالعات جمعیتی، دیوید لوکاس و پاول میر، ترجمه‌ی حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. Dhaliwal, G.S., Sangha, G.S. and Ralhan, P.K. (۲۰۰۰). *Fundamentals of Environmental Science*, Kalyani Publisher., New Delhi.
۲. Gerda, R., Wekerle and Carolyn Whitzman. (۱۹۹۸). *Safe Cities, Guidelines for Planning, Design, and Management*, Newyork.
۳. Pumain, Denise (۲۰۰۶). *The Urbanization presses, in Demography : analysis and synthesis : a treatise in population studies / Graziella Caselli, Jacques Vallin, and Guillaume Wunsch ; with contributions by Daniel Courgeau . . . [et al.]. Volume ۲*, London: Academic Press.
۴. Ravenstein, Ernest G. (۱۸۸۵). "The Laws of Migration." *Journal of the Royal Statistical Society* ۴۸: ۱۶۷-۲۲۷
۵. Skeldon, R. (۲۰۰۸). International migration as a tool in development policy a passing phase? *Population and Development Review*, ۳۴(۱), ۱-۱۸
۶. Sheng, Yap Kioe (۲۰۰۴). *Urbanization and Internal Migration, in Selected Papers of the Fifth Asian and Pacific Population Conference*.
۷. Todaro, Michel (۲۰۰۵). *Urbanization and Rural-Urban Migration: Theory and Policy*. Ecomoc Development.
۸. United Nation (۲۰۰۸). *Annual Report, Department of Economic and Social Affairs*. New York: United Nations.
۹. United Nation (۲۰۰۹). *World Population Data Sheet, Population Reference Bureau*